

جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای، شماره ۶، بهار ۱۳۹۲

وصول مقاله: ۱۳۹۱/۴/۱۷

تأیید نهایی: ۱۳۹۱/۱۲/۲۲

صفحات: ۶۲ - ۴۹

## تحلیل پیامدهای ایجاد مناطق ویژه اقتصادی بر توسعه اقتصادی روستاها

مورد شناسی: بخش عسلویه شهرستان کنگان

دکتر جواد بذرافشان<sup>۱</sup>، طیبه محمدنیا<sup>۲</sup>

### چکیده

مکان‌یابی پروژه‌های صنعتی در مجاورت نواحی روستایی، می‌تواند باعث افزایش اشتغال، افزایش درآمد، جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها شود و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در نهایت توسعه پایدار روستایی را فراهم آورد. مناطق روستایی واقع در حوزه تأسیسات پارس جنوبی در استان بوشهر در پی احداث این تأسیسات تحولات زیادی را طی یک و نیم دهه اخیر تجربه کرده‌اند. بر این اساس تحلیل این پیامدها در راستای تدوین برنامه‌های مناسب و جامع در جهت تحقق توسعه روستایی ضروری می‌نماید. در این پژوهش به منظور تحلیل پیامدهای ایجاد مناطق ویژه اقتصادی بر توسعه اقتصادی روستاها دو دهستان عسلویه و نایبند از بخش عسلویه به عنوان جامعه آماری برگزیده شد و از این جامعه آماری ۱۰ روستا به عنوان جامعه نمونه انتخاب گردید و تعداد ۱۸۴ پرسشنامه در این ۱۰ روستا تکمیل شد. روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار **spss** استفاده شده است. برای تعیین میزان توسعه یافتگی روستاها نیز از مدل تاکسونومی عددی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در ایجاد اشتغال، افزایش فرصت‌های شغلی و ماندگاری جمعیت در روستاهای پیرامونش موفق عمل کرده، اما در افزایش ارائه نهاده‌ها و خدمات رفاهی در روستاها موفق نبوده است. کلید واژگان: منطقه ویژه اقتصادی، توسعه اقتصادی روستاها، عسلویه، تاکسونومی عددی.

## مقدمه

گسترش فقر در کنار تخریب رو به تزاید منابع، از چالش‌های اقتصادی و فرهنگی معاصر بسیاری از کشورهای در حال توسعه است. این معضلات در حیطه مناطق روستایی از عمق و پیچیدگی بیشتری برخوردار است، به طوری که خصیصه غالب فرایند رشد اقتصادی در نظام‌های اقتصادی رو به توسعه پس از جنگ، به جز چند مورد استثنا، تداوم و یا احتمالاً تشدید فقر روستاییان بوده است. در این بین گروهی از محققان توسعه روستایی، صنعتی شدن روستا را به عنوان سنگ بنای توسعه آینده مورد بحث قرار داده و معتقدند: صنعتی شدن روستایی در چارچوب طرح جامع ملی و نیز افزایش نرخ صادرات در جهت ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌ها، به سه هدف عمده اصلاح درآمد سرانه، کاهش بیکاری و کاهش عدم تعادل‌های بین منطقه‌ای، امری اجتناب ناپذیر در فرایند توسعه اقتصادی است (طاهرخانی، ۱۳۸۰: ۳۳-۳۴). تأثیرات و نفوذ صنعت در مناطق روستایی ضمن ایجاد اقتصادی فعال، می تواند دارای اثرات تکاثری باشد، به طوری که تجربیات کشورهای متعدد نشان می‌دهد که هر تغییر ساختاری از طریق صنعتی شدن، نه تنها نقش اقتصادی با ارزش در مناطق روستایی ایجاد نموده بلکه منجر به اقتصاد خود رانشی می‌گردد (میسرا، ۱۹۹۰: ۱۵).

منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس برای بهره برداری از منابع نفت و گاز در سال ۱۳۷۷ تأسیس شده و با توجه به وسعت این میدان گازی، بهره برداری و توسعه آن در فازهای مختلف با هدف تأمین تقاضای رو به رشد گاز طبیعی در کشور و صادرات آن با پیش بینی ۲۸ فاز فرآوری گاز و ۱۵ مجتمع پتروشیمی و طیف وسیعی از صنایع پایین دستی، در دستور کار قرار گرفته است (استاندارداری بوشهر، ۱۳۸۶: ۶-۱۲). مناطق روستایی حوزه تأسیسات پارس جنوبی در استان بوشهر مطالعاتی عمیق و جدی را می‌طلبد تا بر

اساس آن، برنامه‌هایی متناسب با امکانات و توانمندی‌های بالقوه و بالفعل نقاط روستایی در این منطقه تنظیم و اجرا شود (امینی نژاد و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۴۳).

تأسیسات و پروژه‌های منطقه ویژه پارس جنوبی از مراکز صنعتی بزرگ ایران است که در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی، اثرات و پیامدهایی در این منطقه و حتی در کل کشور داشته است. در تدوین برنامه‌ها و راهکارهای توسعه روستایی در محدوده تأسیسات گازی پارس جنوبی، عدم آگاهی و شناخت جامع و مبتنی بر روش‌های علمی در زمینه میزان برخورداری و سطح نسبی توسعه روستایی این منطقه مشکلی اساسی به شمار می‌رود که برای رفع آن، می‌توان با اندازه‌گیری امکانات موجود در نظام روستایی، کشف روابط متقابل و تعیین روند متغیرها، به تشریح وضعیت نظام سکونتگاه روستایی پرداخت (همان، ۱۳۸۷: ۱۴۵). از این رو هدف کلی این مقاله، بررسی تأثیر منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس بر توسعه اقتصادی روستاهای بخش عسلویه شهرستان کنگان در استان بوشهر می‌باشد، تا از این رهگذر بتوان برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی را بهبود بخشید.

در سطح ایران محققان و پژوهشگرانی همچون طاهرخانی (۱۳۷۷ و ۱۳۸۰)، مطیعی لنگرودی (۱۳۸۰)، افتخاری (۱۳۸۱)، پوراحمد و باباخانی (۱۳۸۱)، سلیمانی (۱۳۸۱)، مهدوی و مشیری (۱۳۸۲)، مطیعی لنگرودی و مرادی (۱۳۸۴)، نجفی کانی (۱۳۸۵)، رضوانی و رمضانزاده لسبویی و محمدپورجباری (۱۳۸۹)، در زمینه تأثیرات مناطق صنعتی در توسعه روستاها تحقیقاتی انجام داده‌اند. نتایج تحقیقات این پژوهشگران حکایت از آن داشته است که استقرار صنایع در جوار مناطق روستایی دارای پیامدهای متنوع و مختلفی بوده است. برخی از این پیامدها نشان از رشد و رونق اقتصادی روستاها و پاره‌ای دیگر مبین

کنترل مهاجرت نیروی انسانی فعال می‌باشد (Woldsemait, 1979).

در اعلامیه لیما صنعتی شدن به عنوان ابزار رشد سریع اقتصادی و توسعه اجتماعی کشورهای در حال توسعه معرفی شده و صنعتی شدن روستاها به عنوان قسمتی از سیاست توسعه همه جانبه روستایی که قادر است هم با ایجاد فرصت‌های شغلی و هم با تأمین نیازهای اساسی جمعیت روستایی، گامی در جهت توسعه روستایی بردارد، معرفی شده است (یونیدو، ۱۹۷۹: ۷-۱). مطالعات مختلف توسعه اقتصادی، اهمیت فعالیت‌های غیرکشاورزی را در فرایند توسعه روستایی خاطر نشان کرده، بر نقش آن به عنوان یک عامل مهم در کاهش تفاوت درآمدی و فقر خانوارهای روستایی تأکید دارند (Hare, 1992: 22). تحول ساختاری از اقتصاد مبتنی بر کشاورزی سنتی به یک اقتصاد مبتنی بر بخش‌های صنعت و خدمات توسط برخی از نظریه‌پردازان توسعه به عنوان فرایند توسعه در نظر گرفته می‌شود (JOSHI, 1997).

صنایع روستایی بیش از دیگر صنایع بخصوص صنایع بزرگ اشتغال‌زا می‌باشند، زیرا این گروه از صنایع سریع‌تر از صنایع بزرگ ایجاد اشتغال می‌کنند و زمان لازم برای فراهم کردن مقدمات استقرار این صنایع کوتاه‌تر است (دریان آستانه، ۱۳۸۳: ۴۲).

استقرار صنعت در نواحی روستایی در کنار افزایش درآمد، ثبات درآمدی، تغییر الگوی مصرف و کاهش تفاوت‌های درآمدی بین شهرنشینان و روستاییان را به همراه دارد (Rizvanul, 1994). این یک واقعیت است که بخصوص در مرحله آغاز صنعتی شدن روستایی، توسعه صنایع کوچک و متوسط در مناطق روستایی نیاز به یک منبع مالی دارد که باعث در دسترس قرار دادن وجوه سرمایه‌گذاری می‌شود (Safari, et al, 2011: 215).

تأثیرات منفی در سطح روستاهای همجوار می‌باشد، اما در مجموع می‌توان قضاوت کرد که اکثر پژوهش‌های انجام شده بر ضرورت احداث واحدهای صنعتی در سطح مناطق روستایی تأکید داشته است.

### مبانی نظری

صنعتی کردن روستا یک فرایند است برای متنوع کردن و نوسازی اقتصاد روستایی و انعطاف پذیری راهبردهایی که بر اساس نیازهای توسعه جهت داده می‌شود و شامل صنایع کوچک روستایی و متوسط است (ماستری فراهانی، ۱۳۸۴: ۵).

کورن<sup>۱</sup> معتقد است که با استقرار نواحی صنعتی در روستاها، موجی از فرصت‌های شغلی جدید و کاهش بیکاری و در نتیجه افزایش میزان رضایت شغلی به وجود می‌آید (curran, 1993).

همچنین گایدر<sup>۲</sup> در مطالعاتی که پیرامون اثرات استقرار نواحی صنعتی در روستاها انجام داده، به این نتیجه رسیده است که اشتغال مهم‌ترین پیامدی است که می‌تواند مسایل دیگر مانند مهاجرت‌های روستایی را بشدت تحت تأثیر قرار دهد و تمایل به ماندگاری در روستاها را بالا ببرد (Guidry, 1997). کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوسیه در سی و نهمین نشست خود در سال ۱۹۸۳ بر نقش برجسته این صنایع تأکید نموده، معتقد است که چنین صنایعی برای کشورهای در حال توسعه منطقه‌ای اسکاپ از طرق گوناگون بسیار مفید بوده، می‌تواند آنها را در مقابله با مشکلات اقتصادی و اجتماعی یاری دهد (سازمان ملل متحد، ۱۳۶۶: ۱). علاوه بر این کمیسیون معتقد است که مهم‌ترین نتایج استقرار صنعت در نواحی روستایی این است که از منابع انسانی مازاد در محیط روستاها به خوبی استفاده می‌شود و در واقع تمایلی برای

<sup>۱</sup>.curran

<sup>۲</sup>.Guidry

زیرفرض‌های تحقیق عبارتند از:

- ۱- منطقه ویژه اقتصادی پارس باعث افزایش درآمد خانوارهای روستایی شده است.
- ۲- منطقه ویژه اقتصادی پارس باعث افزایش انگیزه ماندگاری روستاییان شده است.
- ۳- منطقه ویژه اقتصادی پارس باعث افزایش ایجاد فرصت‌های شغلی جدید شده است.
- ۴- منطقه ویژه اقتصادی پارس باعث افزایش تعداد نهاده‌ها و امکانات زیربنایی و خدماتی در سطح روستاهای منطقه شده است.

از آنجا که آزمون فرضیه‌ها نیاز به تعیین، نام‌گذاری و نیز عملیاتی کردن متغیرها دارد (دلاور، ۱۳۷۷: ۳۹)، در جدول ۱ متغیرهای تحقیق معرفی شده است. لازم به توضیح است که تمام متغیرها کمی هستند و قابلیت اندازه‌گیری دارند. ضمناً با عنایت به این که فرایند توسعه روستایی و به تبع آن توسعه اقتصادی روستاها متأثر از عوامل و پارامترهای متعدد و مختلفی می‌باشد، در این تحقیق فقط به چهار متغیر عمده و اساسی اکتفا می‌گردد.

جدول ۱: متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل
توسعه اقتصادی روستاها	۱- درآمد خانوارها
	۲- انگیزه ماندگاری روستاییان
	۳- فرصت‌های شغلی
	۴- تعداد نهاده‌ها و خدمات موجود در روستاها

### روش تحقیق

روش تحقیق این مطالعه، توصیفی تحلیلی است. بخش عمده داده‌ها و اطلاعات مورد استفاده از شیوه مطالعات میدانی و با ابزار پرسشنامه و مصاحبه به دست آمده است. بخش دیگر اطلاعات به شیوه اسنادی حاصل شده است. جامعه آماری تحقیق شامل روستاهای دهستان‌های عسلویه و نایبند بخش عسلویه شهرستان کنگان می‌باشد. بر اساس آخرین تقسیمات

اس.ک راثو با تحلیل روند صنعتی شدن روستاها در چهار کشور هند، فیلیپین، کره جنوبی، و ژاپن در سال ۱۹۸۵ بر نقش استقرار صنعت در روند گسترش صادرات اشاره داشته و معتقد است: هر یک از این کشورها با انتخاب الگوی مناسب صنعتی، گامی اساسی در جهت ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و در نهایت گسترش صادرات داشته‌اند. این اثرات در فرایند صنعتی شدن فیلیپین و کره جنوبی ملموس‌تر است (راثو، ۱۹۸۵: ۱۳۵).

در مجموع می‌توان گفت که صنعتی سازی مناطق روستایی از جمله راهبردهایی است. که به منظور توسعه نواحی روستایی در نقاط مختلف جهان تجربه گردیده و با وجود داشتن برخی نقاط ضعف، به طور کلی راهبردی مؤثر برای توسعه روستایی بخصوص در کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آید.

### اهداف پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس (عسلویه) بر توسعه اقتصادی روستاهای بخش عسلویه شهرستان کنگان است. همچنین سعی می‌شود بر اساس مدل تاکسونومی عددی، اثرات این منطقه ویژه بر درجه توسعه یافتگی روستاهای محدوده مورد مطالعه مشخص گردد. به عبارت دیگر این تحقیق در پی آن است که مشخص سازد آیا استقرار واحدهای مختلف صنعتی در منطقه ویژه اقتصادی توانسته است بر ارتقای رتبه و درجه توسعه یافتگی روستاها اثر گذارد.

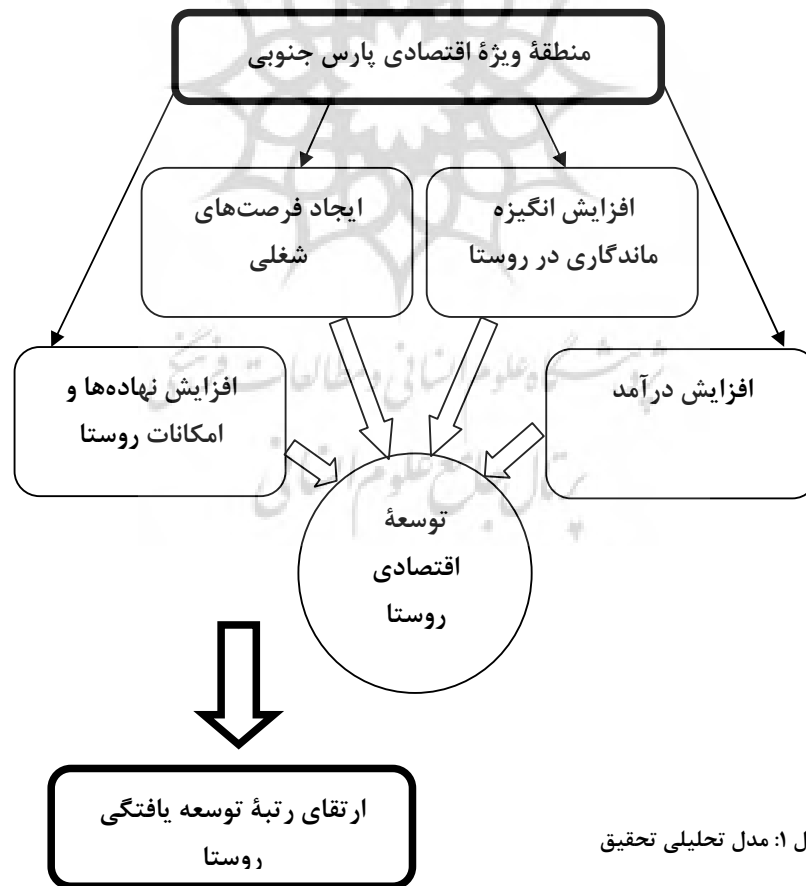
### فرضیات و متغیرهای تحقیق

فرضیه اصلی تحقیق عبارت است از:

منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی باعث رونق و توسعه اقتصادی روستاهای بخش عسلویه شهرستان کنگان شده است.

این ۱۰ روستا از طریق فرمول کوکران و در سطح اطمینان ۹۵ درصد، تعداد ۱۸۴ خانوار انتخاب شدند. پرسشنامه تهیه شده بین ۱۸۴ خانوار انتخاب شده، توزیع و اطلاعات مورد نیاز اخذ گردید. لازم به ذکر است که با توجه به متغیرهای پژوهش، سوالات پرسشنامه به دو بخش تقسیم شد. تعداد ۲۵ سوال با مقیاس طیف لیکرت طراحی گردید، تعداد ۱۵ سوال به صورت سوالات باز و تعداد ۱۵ سوال به صورت دو گزینه‌ای (بلی-خیر) تدوین شد. روایی این پرسشنامه توسط اساتید و صاحب نظران دانشگاهی مورد تأیید قرار گرفت. میزان پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ معادل ۰/۷۹ تعیین گردید.

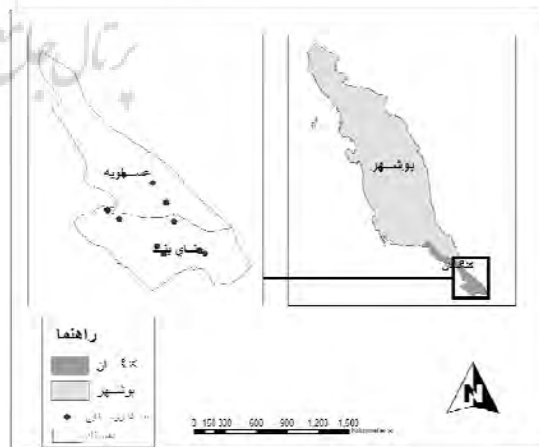
کشوری، تعداد روستاهای موجود در این دهستان‌ها ۲۱ آبادی است. از آنجا که امکان تکمیل پرسشنامه در تمام روستاهای منطقه مورد مطالعه نبود، لذا با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای (دلور، ۱۳۷۷: ۱۱۰) ابتدا روستاهای محدوده مورد مطالعه بر اساس بعد مسافت با منطقه ویژه اقتصادی به دو خوشه تقسیم شدند. بر این اساس تعداد ۱۱ روستا در یک خوشه (در فاصله بیش از ۱۰ کیلومتر از منطقه اقتصادی) و ۱۰ روستا در خوشه دوم (در فاصله کمتر از ۱۰ کیلومتر از منطقه اقتصادی) قرار گرفتند. در مرحله بعد با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، از هر خوشه، ۵ روستا انتخاب شدند. نهایتاً با لحاظ کردن تعداد خانوارهای ساکن در



شکل ۱: مدل تحلیلی تحقیق

## منطقه مورد مطالعه

بخش عسلویه با وسعت ۹۳۶.۵ کیلومتر مربع در فاصله ۶۰ کیلومتری مرکز شهرستان کنگان واقع شده است که از غرب به بخش مرکزی کنگان و روستای شیرینو، از شمال به رشته کوه‌های زاگرس جنوبی، از جنوب به خلیج نیلگون همیشه فارس و از شرق به شهرستان پارسیان استان هرمزگان محدود می‌شود و در مدار ۳۸ و ۵۲ درجه طول شرقی و ۲۷ و ۲۴ درجه عرض شمالی قرار دارد. بخش عسلویه دارای ۲ شهر به نام‌های عسلویه و نخل تقی و ۲۱ روستا می‌باشد. جمعیت این بخش در سال ۱۳۸۵ حدود ۳۱ هزار نفر بوده است. حدود ۳۸ هزار نفر از نقاط مختلف کشور در تأسیسات و پروژه‌های منطقه مشغول به کار هستند. میدان گازی پارس جنوبی با وسعت ۹۷۰۰ کیلومتر مربع یکی از بزرگ‌ترین منابع گازی جهان است که بر روی خط مرزی مشترک ایران و قطر در فاصله ۱۱۰ کیلومتری ساحل عسلویه در خلیج فارس قرار دارد. سهم ایران از ذخایر گازی این میدان وسعتی برابر با ۳۷۰۰ کیلومتر مربع و حدود ۱۴ تریلیون متر مکعب برآورد شده که حدود ۸ درصد ذخایر گازی جهان و بالغ بر ۴۰ درصد ذخایر گازی کشور را شامل می‌شود (استاندارداری بوشهر، ۱۳۸۶: ۶-۱۲).



نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

## آزمون فرضیات

آزمون فرضیه اول: افزایش درآمد خانوارهای روستایی

$H_0$ : منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس (عسلویه)

باعث افزایش درآمد خانوارهای روستایی نشده است.

$H_1$ : منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس (عسلویه)

باعث افزایش درآمد خانوارهای روستایی شده است.

جدول ۲: آزمون فرضیه اول

فرضیه ۱	
Chi-Square(a,b)	91.924
df	4
Asymp. Sig.	.000

با توجه به این که  $\chi^2$  (۹۱.۹۲۴) در سطح اعتماد ۹۹ درصد ( $p=0.001$ ) معنادار است در نتیجه فرضیه صفر رد شده، بنابراین فرضیه  $H_1$  تأیید شده، و منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس (عسلویه) باعث افزایش درآمد خانوارهای روستایی شده است.

پایین بودن سطح درآمد سرانه قطعاً یکی از عوامل مؤثر بر پایین بودن سطح توسعه یافتگی روستاها می‌باشد. به عبارت دیگر از جمله عوامل رکود اقتصادی در نواحی روستایی تفاضل منفی هزینه درآمد خانوادگی روستایی است. لذا هر اقدام و کوششی که منجر به کاهش این تفاضل گردد، امری کاملاً مطلوب ارزیابی می‌گردد؛ زیرا سبب افزایش نرخ تمرکز سرمایه، افزایش قدرت خرید و نهایتاً ارتقای شاخص‌های مختلف توسعه می‌شود. نقاط روستایی محدوده مورد مطالعه، قبل از ورود صنایع مختلف در قالب منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی از نظر درآمد سرانه در وضعیت مطلوبی قرار نداشتند به گونه‌ای که بر اساس یک پژوهش میدانی که در سال ۱۳۸۴ انجام شد، نزدیک به ۳۰ درصد از پاسخ‌گویان درآمدی کمتر از صد هزار تومان در ماه، ۳۲/۸ درصد درآمدی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰

با توجه به این که  $\chi^2$  (۱۲۴.۳۱۵) در سطح اعتماد ۹۹ درصد ( $p=0.001$ ) معنادار است در نتیجه فرضیه صفر رد شده، بنابراین فرضیه  $H1$  تأیید شده، و منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس (عسلویه) باعث افزایش انگیزه ماندگاری روستاییان شده است.

مهاجرت‌های روستایی از مهم‌ترین چالش‌های توسعه روستایی محسوب می‌شود. هرچند این مهاجرت‌ها متأثر از عوامل متعدد اقتصادی - سیاسی، زیست محیطی و فرهنگی (ياسوری، ۱۳۸۶: ۸۴) است، اما باید توجه داشت که عامل اساسی و زیربنایی در شکل‌گیری پدیده مهاجرت، اختلاف شدید بازده نهایی کار در نواحی شهری و روستایی و میان‌بخش‌های مختلف اقتصادی، کشاورزی، صنعتی، خدمات در نواحی مختلف جغرافیایی است (جوان، ۱۳۸۰: ۳۶۲). از سوی دیگر از دهه ۱۳۴۰ تاکنون به دلایل متعدد و مختلف، فرصت‌های شغلی وابسته به بخش کشاورزی در مناطق روستایی کاهش یافته است. به عبارت دیگر بخش اشتغال‌زای روستا قدرت جذب نیروی کار خود را از دست داده است. علاوه بر آن قدرت خرید روستاییان به دلیل گسترش مناسبات تولید سرمایه داری به نواحی روستایی کاهش یافته است. متأسفانه مهاجرت‌های روستایی به عنوان یک واقعیت غیر قابل انکار اقتصادی و اجتماعی منشأ بروز مشکلات متعدد هم در نواحی روستایی و هم در نواحی شهری است. یکی از راهکارهای کاهش اثرات و پیامدهای ناخوشایند این معضل، سرمایه‌گذاری در سطح روستاها یا نواحی مجاور روستاها می‌باشد. این راهکار خوشبختانه با ایجاد منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی موجب افزایش انگیزه ماندگاری روستاییان شده است به گونه‌ای که طی ۵ سال اخیر (۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰) در روستاهای نمونه مجموعاً فقط ۲۲ خانوار روستاها را

هزار تومان، ۱۷/۸ درصد درآمدی بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان، ۸/۳ درصد درآمدی بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان و ۵/۳ درصد درآمد ماهانه بالاتر از ۵۰۰ هزار تومان داشته‌اند. همچنین میانه درآمد آنها ۱۵۰ هزار تومان بوده است، بدین معنا که نیمی از خانوارهای عسلویه بالای ۱۵۰ هزار تومان و نیمی دیگر کمتر از ۱۵۰ هزار تومان در ماه درآمد داشتند و با نادیده گرفتن روستای بیدخون که متوسط درآمد آنها بالاتر از دیگر روستاها بوده است، متوسط درآمد بیشتر اهالی بین پنجاه تا صد هزار تومان گزارش شده است (طالبیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۶). اما با سرمایه‌گذاری‌های انجام شده به دلیل ایجاد تنوع نسبی در منابع معیشت، به طور نسبی سطح درآمدها افزایش یافت. البته این افزایش به منزله تحقق تمام اهداف برنامه‌های توسعه روستایی در منطقه مورد مطالعه نبوده و مسلماً تداوم سرمایه‌گذاری‌ها در منطقه ویژه اقتصادی می‌تواند هم به صورت مستقیم و هم غیر مستقیم به افزایش بیشتر درآمد خانوادگی روستایی منجر شود. بررسی‌های میدانی نشان داد که درآمد متوسط ماهانه خانوارهای روستایی نسبت به قبل از ایجاد منطقه ویژه حدود ۲۵ درصد افزایش یافته است و جدول ۲ مؤید این افزایش می‌باشد.

آزمون فرضیه دوم: انگیزه ماندگاری روستاییان

$H0$ : منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس (عسلویه) باعث افزایش انگیزه ماندگاری روستاییان نشده است.  
 $H1$ : منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس (عسلویه) باعث افزایش انگیزه ماندگاری روستاییان شده است.

جدول ۳: آزمون فرضیه دوم

فرضیه ۲	
Chi-Square(a,b)	124.315
df	4
Asymp. Sig.	.000

قابلیت‌های مناسبی را برای فراهم سازی زمینه‌های شغلی در نقاط روستایی دارا می‌باشد، بخش صنعت است. با عنایت به همین واقعیت است که بعد از ایجاد منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی بتدریج بر تعداد فرصت‌های شغلی و تعداد شاغلان افزوده شده و متقابلاً نرخ بیکاری به طور نسبی کاهش یافته است. به عنوان نمونه، قبل از ایجاد منطقه ویژه اقتصادی درصد بیکاری در بین ساکنان بومی منطقه بالا بوده و بیش از ۶۴ درصد جمعیت فعال فاقد هرگونه مهارت فنی و حرفه‌ای بوده‌اند (طالبیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۶). البته لازم به توضیح است که کماکان به دلیل این که مشاغل موجود در بخش‌های مختلف منطقه ویژه اقتصادی حالت فنی و تخصصی دارند اشتغال نیروهای بومی از یک روند ایده آل برخوردار نبوده، جذب نیروهای غیر بومی در منطقه بالاست. با این حال ورود سرمایه به منطقه و ایجاد تأسیسات مختلف و ارائه خدمات به نیروهای غیر بومی عامل ایجاد یک عده فعالیت‌ها و مشاغل خدماتی شده است و در کنار آن بخشی از جمعیت بومی منطقه نیز در بخش‌های مختلف (خدماتی، تولیدی و اداری) منطقه جذب شده‌اند. آزمون فرضیه چهارم: افزایش تعداد نهاده‌ها و امکانات خدماتی

$H_0$ : منطقه ویژه اقتصادی پارس باعث افزایش تعداد نهاده‌ها و امکانات زیربنایی و خدماتی در سطح روستاهای منطقه نشده است.

$H_1$ : منطقه ویژه اقتصادی پارس باعث افزایش تعداد نهاده‌ها و امکانات زیربنایی و خدماتی در سطح روستاهای منطقه شده است.

جدول ۵: آزمون فرضیه چهارم

فرضیه ۴	
Chi-Square(a,b)	4۵.0۷۵
df	3
Asymp. Sig.	.000

ترک کرده‌اند که در قیاس با کل کشور رقم ناچیزی می‌باشد.

آزمون فرضیه سوم: ایجاد فرصت‌های شغلی جدید  
 $H_0$ : ایجاد منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس (عسلویه) باعث افزایش ایجاد فرصت‌های شغلی جدید نشده است.

$H_1$ : ایجاد منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس (عسلویه) باعث افزایش ایجاد فرصت‌های شغلی جدید شده است.

با توجه به این که  $\chi^2$  دو مشاهده شده ( $df(3)$ ،  $(\chi^2 = ۴۷.۰۸۷)$ ) در سطح اعتماد ۹۹ درصد ( $p=۰.۰۰۱$ ) معنادار است در نتیجه فرضیه صفر رد شده، بنابراین فرضیه  $H_1$  تأیید شده، و منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس (عسلویه) باعث افزایش فرصت‌های شغلی جدید شده است.

جدول ۴: آزمون فرضیه سوم

فرضیه ۳	
Chi-Square(a,b)	47.087
df	3
Asymp. Sig.	.000

بیکاری و کمبود فرصت‌های شغلی که نتیجه عدم تعادل بین عرضه و تقاضای نیروی کار در روستاهاست از جمله عمده‌ترین مشکلات نواحی روستایی است. شک نیست که عرضه نیروی کار در نواحی روستایی کشور بیش از تقاضا می‌باشد. نیز عدم تعادل بین فرصت‌های اشتغال از یک سو و فقدان نهاده‌های مناسب از سوی دیگر، بر ابعاد معضل بیکاری در نواحی روستایی دامن می‌زند. کمبود زمین و سایر محدودیت‌های طبیعی نیز سبب تشدید پدیده بیکاری می‌شود. فرصت‌های شغلی وابسته به بخش کشاورزی نیز بتدریج ماهیتی ناپایدار پیدا کرده‌اند که همین امر باعث کاهش اهمیت این بخش در اقتصاد روستایی شده است. در چنین وضعیتی یکی از بخش‌هایی که



نوروزی آورگانی، ۱۳۸۹ : ۹۲). با توجه به واقعیت‌های فوق، ثمربخش بودن هرگونه راهبرد توسعه روستایی و تعدیل فاصله موجود میان عرصه‌های شهری و روستایی، منوط به ارائه جامع و کامل انواع نهاده‌ها و خدمات مورد نیاز (بویژه نهاده‌های مؤثر در فرآیند تولید) می‌باشد. افزایش سطح خدمات اجتماعی و اقتصادی در حوزه‌های روستایی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. خوشبختانه یکی از نتایج مهم حاصل از استقرار و توسعه فعالیت‌های مختلف در منطقه ویژه اقتصادی افزایش نسبی خدمات رسانی به به نقاط روستایی محدوده مطالعاتی بوده است. به عنوان نمونه با استناد به جدول ۶ تعداد واحدهای آموزشی (در تمام سطوح) از ۱۳ واحد به ۳۱ واحد، طول راه‌های آسفالتی روستایی از ۱۲۰ کیلومتر به ۲۵۰ کیلومتر، بانک‌ها از ۱ شعبه به ۳ شعبه، جایگاه‌های سوخت رسانی از ۱ مورد به ۲ مورد، دفاتر پستی و مخابراتی از ۶ مورد به ۱۰ مورد افزایش یافته است (مرکز آمار ایران ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ و یافته‌های میدانی). البته کاملاً واضح است که بخشی از این افزایش ناشی از سیاست‌های مختلف دولت طی برنامه سوم و چهارم توسعه در جهت محرومیت زدایی از نواحی روستایی استان‌های جنوبی کشور می‌باشد. همچنین بیشترین افزایش نهاده‌ها و تأسیسات خدماتی روستایی مربوط به روستاهایی است که فاصله کمتری (در شعاع ۱۰ کیلومتری) با منطقه ویژه اقتصادی دارند.

با توجه به این که خی دو مشاهده شده  $(df(3))$  ،  $(\chi^2 = 45.075)$  در سطح اعتماد ۹۹ درصد  $(p=0.001)$  معنادار است، در نتیجه فرضیه صفر رد شده، بنابراین فرضیه  $H1$  تأیید شده و منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس (عسلویه) باعث افزایش تعداد نهاده‌ها و امکانات زیربنایی و خدماتی در سطح روستاهای منطقه شده است. غالباً تعداد نهاده‌ها و خدمات مختلف (زیر بنایی، اقتصادی، بهداشتی و فرهنگی - اجتماعی) موجود در هر روستایی تا حد زیادی مبین سطح توسعه یافتگی آن روستاست. از آنجا که نارسایی‌های خدماتی در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و همچنین محرومیت از امکانات اشتغال در عرصه‌های روستایی از یک سو و جاذبه‌های شهری از سوی دیگر، به بهای فروپاشی نظام زیستی - فضایی سکونتگاه‌های روستایی شده است، لزوم توجه جدی‌تر به عرصه‌های روستایی کشور و زمینه سازی برای ارائه خدمات مناسب و کافی به آنها بسیار حیاتی است (سعیدی، ۱۳۸۸: ۱). بررسی وضعیت اقتصادی روستاهای کشور نشان می‌دهد که یکی از دلایل عقب ماندگی روستایی و عدم میل به ماندگاری جمعیت در نواحی روستایی، ضعف امکانات خدمات رسانی و عدم دسترسی آسان این جمعیت به مراکز ارائه خدمات است (مطبعی لنگرودی، ۱۳۸۲ : ۱۲۱). عدم توفیق در مهار کردن پدیده مهاجرت‌های روستایی نیز ریشه در محرومیت روستاییان از امکانات و خدمات رفاهی دارد (تقوایی و

جدول ۶: وضعیت نهاده‌ها و خدمات مختلف منطقه قبل و بعد از ایجاد منطقه ویژه اقتصادی

نوع	تعداد (قبل)	تعداد (بعد)	درصد تغییرات	نوع	تعداد (قبل)	تعداد (بعد)	درصد تغییرات
دبستان	۹	۱۸	۱۰۰	صندوق پست	۸	۱۰	۲۵
راهنمایی	۳	۱۰	۲۳۳	تلفن	۷	۱۰	۴۳
دبیرستان	۱	۳	۲۰۰	برق	۵	۱۰	۱۰۰
بانک	۱	۳	۲۰۰	شرکت تعاونی	۴	۶	۵۰
CT دفتر	۰	۳	۳۰۰	شبکه آبرسانی	۳	۶	۱۰۰
واحد تجاری	۱۸۷	۳۳۲	۷۷/۵	پمپ بنزین	۱	۲	۱۰۰
حمام	۱	۳	۲۰۰	Km(راه آسفالته)	۱۲۰	۲۵۰	۱۰۸
خانه بهداشت	۳	۸	۱۶۶	مرکز بهداشت	۱	۲	۱۰۰

مأخذ: مطالعات میدانی، بهار ۱۳۹۰

### رتبه‌بندی روستاها بر اساس مدل تاکسونومی عددی

بیش همگن تقسیم کند، و یک مقیاس را که مورد استفاده در امر برنامه‌ریزی باشد، برای شناخت درجه توسعه یافتگی ارائه دهد (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵):

۲۲۰). گام اساسی و در عین حال مقدماتی در مدل مورد نظر، مشخص کردن شاخص‌ها و متغیرهای مورد نیاز می‌باشد. بر این اساس تعداد ۶ شاخص کلی انتخاب و داده‌های آنها از طریق گزارش‌های آماری و نیز داده‌های پرسشنامه استخراج شد.

همان طور که قبلاً اشاره شد، یکی از اهداف این تحقیق بررسی تأثیر منطقه ویژه اقتصادی بر میزان توسعه یافتگی روستاهای محدوده مورد مطالعه می‌باشد. در این راستا از مدل تاکسونومی که یکی از روش‌های مناسب درجه‌بندی نواحی از لحاظ درجه توسعه یافتگی می‌باشد، استفاده شده است. این روش قادر است یک مجموعه را به زیرمجموعه‌های کم و

جدول ۷: ماتریس سرمشق توسعه در مدل تاکسونومی عددی

رتبه	fi	CiO	مجموع	تعداد نهادهای رفاهی	تعداد نهادهای تجاری	تعداد نهادهای آموزشی	درصد باسوادی	درصد اشتغال	درآمد متوسط ماهانه خانوار	روستا
۲	.۵۵۶	۵۰۴۷	۲۵۰۴۸	۲۰۶۲۱	۴۰۵۲۴	۰	۸۰۴۴۱	۶۰۹۵۷	۲۰۹۳۷	اخذند
۱۰	.۷۵۹	۶۰۹۳۳	۴۸۰۶۷	۴۰۶۶۱	۹۰۳۵۵	۵۰۵۰۴	۱۰۰۹۹۹	۸۰۱۹۷	۹۰۳۵۱۳	بساتین
۳	.۶۲۲	۵۰۶۸۶	۳۲۰۳۴	۱۰۰۴۹۰	۵۰۳۸۴۱	۷۰۹۲۶	۵۰۱۱۲	۳۰۴۲۸	۰	بزیاز
۷	.۷۴۷	۶۰۸۲۹	۴۰۶۶۴	۷۰۲۸۴	۱۰۰۰۱۲	۵۰۵۰۴	۱۱۰۴۶۸	۱۰۰۴۸۳	۱۰۸۹۸۸	بنود
۱	.۱۴۹	۱۰۳۶۶	۱۰۸۶۸	۰	۰	۸۰۰۵	۰	۰	۰۰۹۸۸۰	بیدخون
۶	.۷۰۱	۶۰۴۰۴	۴۱۰۱۵	۱۰۰۴۹۰	۹۰۶۸۰۸	۷۰۹۲۶	۴۰۵۰۸	۸۰۲۴۱	۰۰۱۶۹۶	سواحل
۸	.۷۵۰	۶۰۸۵۷	۴۷۰۰۲	۴۰۶۶۱	۹۰۹۰۱۰	۳۰۵۲۲	۱۰۰۵۲۶	۹۰۶۰۱	۹۰۳۵۱۳	سهموشمالی
۴	.۶۳۶	۵۰۸۱۶	۳۳۰۸۲۹	۴۰۶۶۱	۹۰۶۸۰۸	۲۰۲۰۱	۶۰۸۴۹	۱۰۰۱۹۸	۲۰۲۲۰۱	زبار
۹	.۷۵۷	۶۰۹۱۸	۴۷۰۸۷۰	۷۰۲۸۴	۱۰۰۰۱۲	۵۰۵۰۴	۹۰۰۳۰۰	۱۱۰۳۶	۴۰۷۳۴۹	خیارو
۵	.۶۵۰	۵۰۹۴۰	۳۵۰۲۹	۱۰۱۶۴	۹۰۷۹۰۶	۵۰۵۰۴	۸۰۴۹۰	۷۰۶۳۵	۲۰۷۱۲	هاله

مأخذ: یافته‌های تحقیق

### تحلیل سطح توسعه یافتگی روستاهای منطقه

چنان که پیشتر اشاره شد عوامل و متغیرهای متعدد و مختلفی بر سطح توسعه یافتگی فضاهای جغرافیایی از جمله نواحی روستایی اثرگذار می‌باشد. این عوامل و عناصر دارای درجات متفاوتی از تأثیرگذاری می‌باشند. ضمناً درجه اهمیت و تأثیر آنها تابع عناصر مهم زمان و مکان است. یعنی این که برخی از متغیرها در مقطعی از زمان بیشترین تأثیر را بر وضعیت توسعه یافتگی دارند و در مقطعی دیگر اهمیت همین متغیرها به حداقل کاهش می‌یابد. از طرف دیگر یک عده از شاخص‌ها ممکن است در یک فضای جغرافیایی خاص از بالاترین درجه اهمیت برخوردار باشند و بر عکس همین شاخص‌ها در فضای دیگری فاقد اهمیت باشند. البته این تفاوت‌ها ناشی از تفاوت دیدگاه در مورد مفهوم توسعه و توسعه یافتگی می‌باشد اما به هر حال در مورد یک عده از شاخص‌ها و معیارهای توسعه یافتگی اشتراک نظر وجود دارد.

قبل از تحلیل وضعیت توسعه یافتگی روستاهای منطقه باید به یک مسأله مهم دیگر نیز اشاره کرد. و آن این که علاوه بر اختلاف نظر در مورد نوع متغیرها و شاخص‌های مؤثر بر میزان و سطح توسعه یافتگی، در زمینه سطح بندی مناطق در چارچوب مدل تاکسونومی تفاوت نظر به چشم می‌خورد. هر چند درجه توسعه یافتگی ( $f_i$ ) بین حداقل صفر تا حداکثر یک متغیر می‌باشد؛ نزدیک بودن به صفر نشان دهنده توسعه یافتگی بیشتر و نزدیک بودن به یک نشان دهنده توسعه نیافتگی بیشتر است، ولی پیرامون تقسیم بندی این واحد توافق کاملی وجود ندارد. چه بسا در یک تحقیق و پژوهش، درجات توسعه در سه سطح و در پژوهش دیگری، درجات توسعه به چهار، پنج یا حتی شش سطح افزایش یابد که البته کاملاً بدیهی است و بستگی به اهداف پژوهش دارد. به همین دلیل در این تحقیق درجات توسعه یافتگی ( $f_i$ ) به شرح جدول ۹ می‌باشد.

جدول ۸: درجات توسعه یافتگی (سطوح برخورداری)

$f_i$	درجه برخورداری	تعداد	درصد
$0 < f_i \leq 0/1$	بسیار برخوردار (بسیار توسعه یافته)	-	-
$0/11 < f_i \leq 0/2$	برخوردار (توسعه یافته)	۱	۱۰٪
$0/21 < f_i \leq 0/7$	تاحدودی برخوردار (تاحدودی توسعه یافته)	۴	۴۰٪
$0/71 < f_i \leq 0/8$	محروم	۵	۵۰٪
$0/81 < f_i \leq 1$	بسیار محروم	-	-

بر طبق جدول ۸ در بین ۱۰ روستای مورد مطالعه، هیچ روستایی در سطح بسیار برخوردار قرار ندارد. همچنین تنها یک روستا (بید خون) دارای  $f_i$  در حد ۰/۱۴۹ می‌باشد. آن چه موجب شده است که فاصله  $f_i$  روستای بید خون با سایر روستاهای محدوده مطالعاتی بسیار بالا باشد، به تفاوت قابل ملاحظه در وضعیت شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق برمی‌گردد.

در این روستا درآمد ماهانه هر خانوار معادل ۳۸۷۷۵۵ تومان است که نسبت به متوسط درآمد ماهیانه کل منطقه، حدود ۲۵۴۵۶ تومان بیشتر است. البته از نظر این شاخص وضعیت ۲ روستای دیگر بزباز و سواحل بهتر از روستای بید خون می‌باشد. مضاف بر آن روستای بید خون با دارا بودن بالاترین درصد اشتغال (۵۴/۷٪)، بالاترین درصد باسوادی (۸۱/۴۸٪)،

روستاییان و حتی مهاجرپذیر شدن روستاهای حوزه تأسیسات پارس جنوبی شده است. نیز مشخص شد که به دنبال استقرار واحدهای مختلف تولیدی در منطقه ویژه اقتصادی، تعداد واحدها و امکانات زیربنایی و خدماتی در سطح روستاهای منطقه افزایش نسبی داشته است. لذا می‌توان اظهار داشت که به طور کلی بازتاب‌های ایجاد منطقه ویژه اقتصادی عموماً در سطح روستاهای منطقه مثبت می‌باشد. علاوه بر آن یافته‌های تحقیق بر اساس مدل تاکسونومی حکایت از آن دارد که موقعیت جغرافیایی روستاها (دوری و نزدیکی) بر میزان و درجه توسعه یافتگی آنها تأثیر نسبتاً مستقیمی دارد به گونه‌ای که همان طور که جدول ۸ نشان می‌دهد، روستای بیدخون رتبه اول و روستای اخند رتبه دوم را داشته است. این ۲ روستا به خاطر نزدیکی به تأسیسات و شرکت‌های منطقه ویژه، از توسعه بیشتری برخوردار بودند. روستاهایی که رتبه ۳ تا ۱۰ را به دست آورده‌اند، از نظر سطح توسعه یافتگی اختلافی جزئی با هم دارند. این مدل نشان داد هر چه مناطق روستایی به منطقه ویژه نزدیک‌تر می‌شوند، از خدمات بیشتر، اشتغال بیشتر و توسعه بالاتری، برخوردار هستند و این نشان از عدم توسعه برابر روستاهای منطقه دارد. بنابراین بهتر است که در راستای توسعه یافتگی کل روستاها و ارائه امکانات و خدمات به روستاها تلاش و توجه بیشتری صورت گیرد.

یکی دیگر از مواردی که بسیار اهمیت دارد و شایسته است مورد توجه مسوولان محلی و برنامه‌ریزان منطقه‌ای و ملی قرار گیرد، این است که با توجه به فنی و تخصصی بودن بسیاری از فرصت‌های شغلی در منطقه اقتصادی از یک سو و پایین بودن مهارت‌های فنی روستاییان از سوی دیگر، نیاز مبرمی به ایجاد گسترش مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای بویژه در رشته‌های وابسته به صنعت نفت و گاز احساس می‌شود زیرا

بیشترین نهادهای تجاری (۸۳ واحد)، بالاترین تعداد نهادهای خدماتی - رفاهی (۹ واحد) از وضعیت ممتازی برخوردار است.

در سطح سوم (روستاهای تاحدودی برخوردار با  $fi$  بین ۰/۲۱ تا ۰/۷) چهار روستای اخند، بزباز، زبار و هاله قرار دارند. میانگین درآمد ماهانه حدود ۳۷۸۴۵۲ تومان است که نسبت به متوسط درآمد در کل منطقه حدود ۱۶۲۲۲ تومان بیشتر است. این روستاها از نظر اشتغال با میانگین ۲۴/۱ درصد، نهادهای آموزشی با میانگین ۴ واحد، نهادهای تجاری با میانگین ۳۱ واحد و از نظر نهادهای خدماتی - رفاهی با میانگین ۵/۲۵ واحد در وضعیت متوسط قرار دارند.

در سطح چهارم (روستاهای محروم با  $fi$  ۰/۷۱ تا ۰/۸) پنج روستای بساتین، بنود، سواحل، سهمو شمالی و خیارو قرار دارند. در واقع نیمی از کل روستاهای منطقه در گروه روستاهای محروم واقع شده‌اند. متوسط درآمد اهالی این روستاها ۳۴۴۲۸۵ تومان است که در قیاس با متوسط درآمد منطقه حدود ۱۸۰۰۰ تومان کمتر است. در این روستاها شاخص اشتغال به طور متوسط ۱۸/۷۴ درصد، میانگین نهادهای آموزشی ۲ واحد، میانگین نهادهای تجاری ۵ واحد و میانگین نهادهای خدماتی - رفاهی ۳/۲ واحد می‌باشد. در واقع سطح دسترسی روستاییان در تمامی شاخص‌ها از متوسط کل منطقه پایین‌تر است. در سطح پنجم (روستاهای بسیار محروم با  $fi$  ۰/۸۱ تا ۱) هیچ روستایی مشاهده نمی‌شود که این مسأله دلالت بر آن دارد که روستاهای منطقه از حداقل دسترسی‌ها برخوردار می‌باشند.

### نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس باعث افزایش درآمد، افزایش فرصت‌های شغلی و افزایش انگیزه ماندگاری

- روستایی، مورد: ناحیه صنعتی سلیمان آباد تنکابن، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۸.
۱۰. رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و مهدی طاهر خانی (۱۳۸۱). استقرار صنعت در روستا و نقش آن در رفاه مناطق روستایی، نشریه ملی مدرس، دوره ۶، شماره ۲.
۱۱. سازمان ملل متحد (۱۳۶۶). بررسی وضعیت صنایع کوچک در آسیا و اقیانوسیه (بولتن شماره ۱۹)، ترجمه کمیته صنایع روستایی دفتر مرکزی جهاد سازندگی.
۱۲. سعیدی، عباس (۱۳۸۸). سطح بندی روستاهای کشور، انتشارات شهیدی، تهران.
۱۳. سلیمانی، محمد (۱۳۸۱). دگرگونی روستاهای حاشیه شهرهای جدید صنعتی، بررسی موردی: الوند- البرز، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دانشگاه تربیت معلم تهران، شماره مقاله ۵۴۵.
۱۴. طاهرخانی، مهدی (۱۳۷۷). صنایع کوچک، سنگ بنای استراتژی آینده توسعه روستایی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، جهاد سازندگی قزوین، شماره مقاله ۵۴۶.
۱۵. طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۰). نقش نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی، مطالعه موردی: نواحی صنعتی و روستایی استان مرکزی، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۰.
۱۶. ماستری فراهانی، مجید (۱۳۸۳). تأثیر ایجاد شهرک-های صنعتی و نقش آن در تحول نواحی روستایی، نمونه موردی شهرک صنعتی ابیک آباد اراک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۷. مرادی، محمود و سید حسن مطیعی لنگرودی (۱۳۸۴). جایگاه صنایع در فرآیند صنعتی‌سازی و توسعه روستایی بخش مرکزی شهرستان بیرجند، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۳.
۱۸. مرکز آمار ایران (۱۳۷۶). شناسنامه آبادی‌های استان بوشهر، تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵.
۱۹. مرکز آمار ایران (۱۳۸۶). نتایج سرشماری نفوس و مسکن، تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵.
۲۰. مطیعی لنگرودی، سید حسن و علی اکبر نجفی کانی (۱۳۸۵). بررسی و ارزیابی اثرات شهرک‌ها و نواحی

مسلماً با تأسیس این گونه مراکز و آموزش و تربیت نیروی انسانی بومی از میزان محرومیت و عقب ماندگی این منطقه از کشور تا حد زیادی کاسته خواهد شد و ان شاء الله در آینده شاهد ارتقای سطح توسعه یافتگی منطقه بویژه نقاط روستایی خواهیم بود.

## منابع و مآخذ

۱. استانداری بوشهر (۱۳۸۶). یافته‌های سرشماری ۱۳۸۵ بوشهر: معاونت برنامه ریزی استانداری بوشهر.
۲. امینی نژاد، غلامرضا و حسن بیگ محمدی و سیدحسن حسینی ابری (۱۳۸۷). تحلیل درجه توسعه یافتگی دهستان‌های حوزه تأسیسات پارس جنوبی در استان بوشهر، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۲.
۳. پور احمد، احمد و مهدی طاهرخانی و رحمان باباخانی (۱۳۸۱). نقش نواحی صنعتی در اشتغال و کاهش مهاجرت‌های روستایی، مطالعه موردی: ناحیه صنعتی لاسجرد، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۳، تهران.
۴. تقوایی، مسعود و نوروزی، اصغر (۱۳۸۹). تعیین و تحلیل سطوح برخورداری مناطق روستایی استان‌های کشور با بهره گیری از روش تاکسونومی و تحلیل خوشه‌ای، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۵.
۵. حکمت نیا، حسن و موسوی، میرنجف (۱۳۸۵). کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه‌ای، انتشارات علم نوین، یزد.
۶. دربان آستانه، علیرضا (۱۳۸۳). مفاهیم و مبانی ساماندهی صنایع در نواحی روستایی، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
۷. دلاور، علی (۱۳۷۷). روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، انتشارات نشر ویرایش، چاپ پنجم، تهران.
۸. رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران، نشر قومس، تهران.
۹. رضوانی، محمد رضا و مهدی رمضانزاده لسبویی و مرتضی محمدپورجبری (۱۳۸۹). تحلیل اثرات اقتصادی- اجتماعی نواحی صنعتی در توسعه نواحی

- dissertation submitted to the Graduate faculty of auburn university.
27. safari, Masoud & Ali Akbari, Parviz kordvany, masoud mahdavi, Sayed Rahim Moshiri (2011), Contribution of the cooperatives in industrialization of rural iranian regions (with particular reference to lavasan region, international journal of academic research, vol.3.no.2.march, part 1
28. Misra, R.p. & Achyuta, R.N (1990) Micro-level Rural planning: principle, Methods And case study, concept publishing company, New delhi
29. Rau, s.k (1985), Rural industrialization: policy and programme in fourasian countries, asian productivity organization, Tokyo.
30. Rizwanul. Islam (1994), Rural industrialization: An engine of prosperity in postre from rural china, world development, vol.22, No.11, p.1643
31. Unido (1984), The role of small and medium scale industries in oic member states, unido No -9, p.487
32. Wold semai B (1979), prospects for rural industrialization in Ethiopia, Ethiopia journal of development research, vol.3, No.2, p.15.
- صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی، نمونه موردی: شهرستان بابل، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۸.
۲۱. مطیعی لنگرودی، سید حسن (۱۳۸۰). اثرات اقتصادی - اجتماعی شهرک‌های صنعتی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرک صنعتی مشهد)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره مقاله: ۵۰۸.
۲۲. مطیعی لنگرودی، سید حسن (۱۳۸۲). برنامه ریزی روستایی با تأکید بر ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
23. Curran, James (1993), The location of small and new economic policies, world employment programme research, No.3, pp.2-37
24. Guedry, ly (1997) Employment impacts of rural industrialization lasalle parish Louisiana, Louisiana rural economist, vol.39, No.3, pp.3-15
25. Hare, D.M. (1992). Rural non- agricultural employment, earnings, and in come: evidence from farm households in southern china. Stanford University
26. Joshi, m.L. (1997). Industrial recruitment policy and rural development: A case study of pulp and paper industry in Albama. A